

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

کاربست رویکرد
انسان شناسی حمل و نقل
در تفسیر قرآن کریم

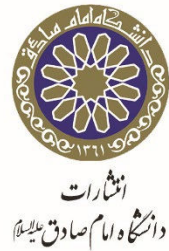
تألیف:

دکتر محمد حسن شیرزاد

با مقدمه:

دکتر احمد پاکتچی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



عنوان: کاربرد رویکرد انسان‌شناسی حمل‌ونقل در تفسیر قرآن کریم

مؤلف: دکتر محمدحسن شیرزاد

مقدمه‌نویس: دکتر احمد پاکتچی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

صفحه‌آرا: محمد روشنی

طراح جلد و مشاور هنری: رسول خسروبیگی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌برداری و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۲

قیمت: ۲/۴۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۷۲-۰

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۶۶۷۶۱۱۰۹۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: شیرزاد، محمدحسن، ۱۳۶۸-
عنوان و نام پدیدآور: کاربرد رویکرد انسان‌شناسی حمل‌ونقل در تفسیر قرآن کریم / تألیف:
محمدحسن شیرزاد؛ با مقدمه احمد پاکتچی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۳۹۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۷۲-۰
موضوع: انسان‌شناسی - جنبه‌های قرآنی
موضوع: حمل‌ونقل -- جنبه‌های قرآنی
شناسه افزوده: پاکتچی، احمد، ۱۳۴۲- مقدمه‌نویس
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)
رده‌بندی کنگره: BP ۱۰۴
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۶۰۸۲۴

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۳
مقدمه دکتر احمد پاکتچی.....	۱۵
مقدمه.....	۲۵
فصل اول: کلیات، مفاهیم و روش شناسی.....	۲۷
فصل دوم: تحلیلی انسان شناختی از «جابه جایی» در بافت نزول قرآن کریم.....	۶۵
فصل سوم: تحلیلی انسان شناختی از مؤلفه های نهاد حمل و نقل در بافت نزول قرآن کریم.....	۱۰۵
فصل چهارم: تحلیلی انسان شناختی از استعاره های قرآنی ملهم از نهاد حمل و نقل.....	۲۵۳
کتابنامه.....	۳۴۱
نمایه آیات.....	۳۶۹
نمایه.....	۳۷۷

فهرست تفصیلی

سخن ناشر.....	۱۳
مقدمه دکتر احمد پاکتچی.....	۱۵
مقدمه.....	۲۵
فصل اول: کلیات، مفاهیم و روش شناسی.....	۲۷
۱. رویکرد فرهنگی در تفسیر قرآن؛ مروری بر سابقه ها.....	۲۸
۲. مفاهیم و اصطلاحات پژوهش.....	۳۳
۱-۲. انسان شناسی فرهنگی.....	۳۴
۲-۲. انسان شناسی حمل و نقل.....	۳۷
۳. روش شناسی پژوهش.....	۴۰
۱-۳. روش شناسی مطالعات انسان شناسی.....	۴۱
۱-۱-۳. رویکرد تبارشناختی در مطالعات انسان شناسی.....	۴۱
۱-۱-۳. فرهنگ تک تبار بدوی.....	۴۲
۲-۱-۳. فرهنگ چندتبار حضری.....	۴۴
۲-۱-۳. رویکرد گونه شناختی در مطالعات انسان شناسی.....	۴۶
۲-۳. منابع انسان شناسی تاریخی.....	۴۸
۱-۲-۳. گزارش ها؛ ضبط های بازمانده از جامعه هدف.....	۴۹
۲-۲-۳. یادمان ها؛ ضبط های بازمانده از جامعه هدف.....	۵۰
۱-۲-۲-۳. واژگان زبان به مثابه یادمان های فرهنگی.....	۵۲

- ۳-۲-۲-۲. نام‌ها به مثابه یادمان‌های فرهنگی ۵۵
- ۳-۲-۲-۳. اشعار، داستان‌ها و اسطوره‌ها به مثابه یادمان‌های فرهنگی ۵۷
- ۳-۲-۲-۴. آیین‌ها و آداب و رسوم به مثابه یادمان‌های فرهنگی ۶۰
- ۳-۳. اعتبارسنجی کاربست رویکرد انسان‌شناسی در دانش تفسیر ۶۰
- جمع‌بندی ۶۳
- فصل دوم: تحلیلی انسان‌شناختی از «جابه‌جایی» در بافت نزول قرآن کریم** ۶۵
۱. سبک زندگی، اندیشه‌ورزی و معناسازی ۶۵
۲. مفهوم پردازی فقر و ثروت در بافت فرهنگی شبه جزیره ۶۷
- ۱-۲. پیوند ایستایی و ثروت‌اندوزی در اندیشه حضری ۶۸
- ۱-۲-۱. زندگی اقتصادی مردمان حاضرة العرب ۶۸
- ۲-۱-۲. فرایند ساخت «غنا» در زبان عربی ۷۱
- ۱-۲-۳. ثروت؛ نمونه‌ای از انتقال معنایی مشابه ۷۶
- ۲-۲. پیوند ایستایی و تنگدستی در اندیشه بدوی ۷۸
- ۲-۲-۱. زندگی اقتصادی مردمان بادیه ۷۹
- ۲-۲-۲. زندگی اقتصادی مردمان مکه ۸۰
- ۲-۲-۳. فرایند ساخت «مسکنه» در زبان عربی ۸۲
- ۲-۳. پیوند حرکت و تنگدستی در اندیشه حضری ۸۵
- ۲-۳-۱. فرایند ساخت «فقر» از منظر سنت مطالعاتی ۸۵
- ۲-۳-۲. پیجویی ریشه‌های «فقر» در زبان نیا ۸۶
- ۲-۳-۳. نحوه کاربری «فقیر» در آیات قرآنی ۸۸
۳. مفهوم پردازی آرامش خاطر و پریشان‌حالی در بافت فرهنگی شبه جزیره ۹۰
- ۱-۳. سکینه؛ پیوند ایستایی و آرامش در اندیشه حضری ۹۰
- ۲-۳. استکانت؛ پیوند ایستایی و پریشان‌حالی در اندیشه بدوی ۹۲
۴. مفهوم پردازی حیات و ممات در بافت فرهنگی شبه جزیره ۹۵
- ۱-۴. فرایند ساخت معنای «مرگ» بر پایه حرکت و جابه‌جایی ۹۵
- ۱-۴-۱. صورت‌بندی نخست: در مکانی بودن و سپس به‌گونه‌ای ترک کردن ... ۹۵

۹۶	۱-۱-۴. هلاک؛ پیوند حرکت و مرگ در اندیشه حضری
۹۷	۲-۱-۴. ذهاب؛ پیوند حرکت و مرگ در اندیشه حضری
۹۹	۲-۱-۴. صورت بندی دوم: اقامت نداشتن در یک مکان
۱۰۰	۲-۴. غابر؛ فرایند ساخت معنای «مرگ» بر پایه سکون و ایستایی
۱۰۲	جمع بندی
۱۰۵	فصل سوم: تحلیلی انسان شناختی از مؤلفه‌های نهاد حمل و نقل در بافت نزول قرآن کریم
۱۰۶	۱. انسان شناسی راه در بافت نزول قرآن کریم
۱۰۷	۱-۱. کارکردهای راه در بافت نزول
۱۰۸	۱-۱-۱. کارکرد ارتباطی راه
۱۱۰	۲-۱-۱. کارکرد دینی راه
۱۱۳	۳-۱-۱. کارکرد اقتصادی راه
۱۱۵	۴-۱-۱. کارکرد سیاسی راه
۱۱۷	۲-۱. حوزه معنایی «راه» در قرآن کریم
۱۱۷	۱-۲-۱. صراط
۱۱۷	۱-۱-۲-۱. صراط از منظر سنت مطالعاتی
۱۲۰	۲-۱-۲-۱. بازخوانی صراط با تکیه بر ریشه شناسی واژه
۱۲۲	۲-۲-۱. طریق
۱۲۲	۱-۲-۲-۱. طریق از منظر سنت مطالعاتی
۱۲۴	۲-۲-۲-۱. بازخوانی طریق با تکیه بر ریشه شناسی واژه
۱۲۷	۳-۲-۲-۱. نسبت سنجی «طریق» و «صراط» در بافت نزول
۱۲۹	۴-۲-۲-۱. نسبت میان راه و راهبر
۱۳۱	۳-۲-۱. سبیل
۱۳۱	۱-۳-۲-۱. سبیل از منظر سنت مطالعاتی
۱۳۵	۲-۳-۲-۱. مؤلفه‌های معنایی «سبیل» در بافت نزول قرآن کریم
۱۴۱	۳-۳-۲-۱. اطلاق «سبیل» بر راه‌های آبی؛ تأییدی بر شواهد زبان شناختی ...
۱۴۱	۴-۳-۲-۱. «سبیل» در گزارش‌های تاریخی؛ تأییدی بر شواهد زبان شناختی

- ۱-۲-۳-۵. نسبت سنجی «سبیل»، «صراط» و «طریق» در بافت نزول..... ۱۴۳
۲. راه‌یابی در بافت نزول قرآن کریم..... ۱۴۵
- ۱-۲. جهت‌یابی..... ۱۴۷
- ۱-۲-۱. نقش ستارگان در تشخیص جهات جغرافیایی..... ۱۴۷
- ۲-۱-۲. نقش بادهای بیش‌وز در تشخیص جهات جغرافیایی..... ۱۴۹
- ۲-۲. نقش علامات و نشانه‌ها در مسیریابی..... ۱۵۲
- ۱-۲-۲. نشانه‌یابی بر پایه عوارض طبیعی زمین..... ۱۵۳
- ۲-۲-۲. پیجویی ردپا؛ شیوه‌ای برای نشانه‌یابی در بافت نزول..... ۱۵۴
- ۱-۲-۲-۱. بازشناسی مؤلفه‌های معنایی «خطوة» در بافت نزول..... ۱۵۵
- ۲-۲-۲-۲. عَقَب / أَعْقَاب؛ بازنمود وجه عینی ردپا در بافت نزول..... ۱۶۱
- ۲-۲-۲-۳. بازشناسی مؤلفه‌های معنایی «أثر» در بافت نزول..... ۱۶۵
- ۲-۲-۲-۴. نسبت سنجی «خطوة»، «أثر» و «عقب» در بافت نزول..... ۱۷۰
- ۲-۲-۳. نشانه‌گذاری..... ۱۷۱
۳. تحلیلی انسان‌شناختی از وسائط نقلیه در بافت نزول قرآن کریم..... ۱۷۲
- ۱-۳. شیوه‌های نخستین حمل‌ونقل در فرهنگ عربی..... ۱۷۳
- ۲-۳. وسائط نقلیه در فرهنگ عربی..... ۱۷۴
- ۳-۳. نسبت متقابل میان زیست‌بوم و وسائط نقلیه بَرّی..... ۱۷۶
- ۴-۳. وسائط نقلیه در فرهنگ بَرّی شبه‌جزیره..... ۱۷۷
- ۱-۴-۳. شتر..... ۱۷۸
- ۲-۴-۳. اسب..... ۱۷۹
- ۳-۴-۳. استر و الاغ..... ۱۸۱
- ۵-۳. وسائط نقلیه در فرهنگ بحری شبه‌جزیره..... ۱۸۳
- ۱-۵-۳. گونه‌شناسی وسائط نقلیه دریایی در بافت نزول قرآن کریم..... ۱۸۵
- ۱-۱-۵-۳. فُلک؛ نشانه‌ای از اثرپذیری فرهنگ عربی از فرهنگ بحری یونانی..... ۱۸۶
- ۲-۱-۵-۳. سفینه؛ نشانه‌ای از اثرپذیری فرهنگ عربی از فرهنگ بحری آرامی..... ۱۸۸
- ۳-۱-۵-۳. جاریه؛ بادمانی از تلقی فرهنگی عرب از کشتی..... ۱۸۹

۱۹۰.....	۳-۵-۱-۴. نسبت سنجی «فُلک»، «سَفینة» و «جاریة»
۱۹۱.....	۳-۵-۲. حمل و نقل دریایی در داستان‌ها و اسطوره‌ها
۱۹۵.....	۳-۶. وسائط نقلیه هوایی
۱۹۶.....	۳-۶-۱. حمل و نقل هوایی پیام
۱۹۸.....	۳-۶-۲. حمل و نقل هوایی پیام در قرآن کریم
۲۰۱.....	۳-۶-۳. حمل و نقل هوایی در داستان‌ها و اسطوره‌ها
۲۰۴.....	۴. منزلگاه در بافت نزول قرآن کریم
۲۰۴.....	۴-۱. رابطه دوسویه راه و منزلگاه
۲۰۸.....	۴-۲. گونه‌شناسی منزلگاه در سفرهای زمینی
۲۰۹.....	۴-۲-۱. قریة؛ زیستگاه انسانی با کارکرد منزلگاهی
۲۰۹.....	۴-۲-۱-۱. معنای «قریة» و کیفیت ساخت آن از منظر سنت مطالعاتی
۲۱۲.....	۴-۲-۱-۲. مسیرهای ساخت ثنایی واژه قریة
۲۱۹.....	۴-۲-۱-۳. مؤلفه‌های معنایی «قریة» در قرآن کریم
۲۲۵.....	۴-۲-۱-۴. وجه تسمیه مکه به أم‌القری
۲۳۱.....	۴-۲-۲. گونه‌شناسی توقفگاه‌های کوتاه‌مدت در بافت نزول
۲۳۱.....	۴-۲-۲-۱. عوارض و پدیده‌های طبیعی به مثابه منزلگاه
۲۳۵.....	۴-۲-۲-۲. سازه‌ها و مصنوعات دست‌ساز به مثابه منزلگاه
۲۳۷.....	۴-۳. گونه‌شناسی منزلگاه در سفرهای دریایی
۲۳۷.....	۴-۳-۱. بندر به مثابه منزلگاه
۲۳۸.....	۴-۳-۱-۱. کیفیت اشتقاق «مُرسی» از منظر سنت مطالعاتی
۲۳۹.....	۴-۳-۱-۲. مُرسی؛ نقش منزلگاهی بندر در فرهنگ عربی
۲۴۲.....	۴-۳-۱-۳. بنادر نام‌آشنای شبه جزیره در بافت نزول
۲۴۶.....	۴-۳-۱-۴. تصویرسازی برپایی قیامت در قالب یک سفر دریایی
۲۵۰.....	۴-۳-۲. جزیره به مثابه منزلگاه
۲۵۱.....	جمع‌بندی

فصل چهارم: تحلیلی انسان‌شناختی از استعاره‌های قرآنی ملهم از نهاد حمل‌ونقل... ۲۵۳

۱. زبان، فرهنگ و ساخت استعاره ۲۵۳
۲. صورت‌بندی اهل کتاب از ارتباط پیامبران با مردم ۲۵۷
- ۱-۲. استعاره شبانی در گفتمان‌های سیاسی اهل کتاب ۲۵۷
- ۱-۲. تحلیلی از تحولات معنایی «رعی» در زبان‌های سامی ۲۵۷
- ۱-۲. انگاره «شبانی به مثابه حکمرانی» در عهد عتیق ۲۵۹
- ۲-۲. استعاره شبانی در گفتمان‌های دینی اهل کتاب ۲۶۰
- ۲-۳. تاریخ انگاره شبانی در فرهنگ سامی ۲۶۲
۳. پیجویی استعاره شبانی در فرهنگ اسلامی ۲۶۳
- ۱-۳. استعاره شبانی در گفتمان‌های سیاسی مسلمانان ۲۶۳
- ۲-۳. استعاره شبانی در گفتمان‌های دینی مسلمانان ۲۶۴
- ۳-۳. استعاره شبانی؛ صورت‌بندی برای مسئولیت اجتماعی ۲۶۶
۴. شبانی پیامبران؛ نماد یا واقعیت تاریخی ۲۶۷
۵. «لَا تَقُولُوا رَاعِنَا»؛ تقابل قرآن کریم با استعاره شبانی ۲۶۹
- ۱-۵. گونه‌شناسی برداشت‌های تفسیری از «لَا تَقُولُوا رَاعِنَا» ۲۶۹
- ۱-۵. معنای «راعنا» در سنت تفسیری ۲۷۰
- ۲-۵. دلایل نهی از «راعنا» در سنت تفسیری ۲۷۱
- ۲-۵. گونه‌شناسی برداشت‌های تفسیری از «قُولُوا انظُرْنَا» ۲۷۲
- ۳-۵. بازشناسی مخاطبان آیه ۱۰۴ سوره بقره ۲۷۳
- ۴-۵. تحلیل زبان‌شناختی - بین‌الادیانی از گزاره ۲۷۵
- ۱-۴-۵. تحلیل گزاره قرآنی «لَا تَقُولُوا رَاعِنَا» ۲۷۵
- ۲-۴-۵. تحلیل گزاره قرآنی «قُولُوا انظُرْنَا» ۲۷۶
- ۳-۴-۵. دلایل کنارگذاشتن استعاره شبانی در قرآن کریم ۲۷۸
۶. صورت‌بندی قرآن کریم از ارتباط پیامبران با مردم ۲۸۰
- ۱-۶. استعاره راه‌بلد در قرآن کریم ۲۸۰
- ۱-۶. صورت‌بندی انگاره راه‌بلد در قالب «إمام» ۲۸۱

۲۸۳.....	۲-۱-۶. پیامبران به مثابه راه‌بلد
۲۸۷.....	۳-۱-۶. «تبعیت»؛ نسبت میان راهرو و راه‌بلد.....
۲۸۹.....	۲-۶. استعاره راه‌یابی در قرآن کریم.....
۲۹۱.....	۱-۲-۶. گونه‌شناسی راهبری در بافت نزول قرآن کریم
۲۹۲.....	۱-۱-۲-۶. هدایت؛ راهبری در جابه‌جایی‌های مقصدمحور
۲۹۵.....	۲-۱-۲-۶. ارشاد؛ راهبری در جابه‌جایی‌های منفعت‌محور.....
۲۹۷.....	۲-۲-۶. گونه‌گونی راهبری بسته به سبک زندگی
۲۹۸.....	۳-۶. استعاره گمراهی در قرآن کریم
۲۹۹.....	۱-۳-۶. ضلال؛ گمگشتگی بر پایه انحراف از مسیر
۳۰۱.....	۲-۳-۶. «غی»؛ گمگشتگی بر پایه فریب
۳۰۳.....	۳-۳-۶. گونه‌شناسی علل گمراهی مبتنی بر استعاره‌های قرآنی.....
۳۰۴.....	۱-۳-۳-۶. استعاره گمراهی مبتنی بر اختلال در حواس
۳۰۷.....	۲-۳-۳-۶. استعاره گمراهی مبتنی بر تبعیت از مسیر پیشینیان
۳۰۸.....	۳-۳-۳-۶. شیطان؛ عامل گمراهی و سرگردانی
۳۰۹.....	۴-۳-۳-۶. نقش آسیب‌رسان باد/ هوا در گمراهی انسان‌ها
۳۱۲.....	۴-۶. استعاره راه در قرآن کریم.....
۳۱۳.....	۱-۴-۶. بررسی کاربردهای استعاری صراط در قرآن کریم
۳۱۴.....	۱-۱-۴-۶. همنشینی «هدایت» و «صراط» در استعاره‌های قرآنی.....
۳۱۵.....	۲-۱-۴-۶. همنشینی «صراط» با «مستقیم» در استعاره‌های قرآنی.....
۳۱۷.....	۳-۱-۴-۶. گونه‌شناسی پویندگان راه هدایت با تکیه بر استعاره حمل و نقل ...
۳۲۱.....	۲-۴-۶. بررسی کاربردهای استعاری طریق در قرآن کریم.....
۳۲۳.....	۳-۴-۶. بررسی کاربردهای استعاری سبیل در قرآن کریم.....
۳۲۴.....	۱-۳-۴-۶. عدم همنشینی «سبیل» با مفهوم «مستقیم»
۳۲۴.....	۲-۳-۴-۶. همنشینی «سبیل» با مفهوم «استطاعت»
۳۲۵.....	۳-۳-۴-۶. کاربرد واژه «سبیل» به صورت جمع.....
۳۲۷.....	۴-۳-۴-۶. سبیل؛ جاده‌ای مشکک از حیث هدایت و ضلالت.....

۳۲۸.....	۵-۳-۴-۶. همنشینی «سبیل» با مفاهیم «وجدان» و «ابتغاء»
۳۲۸.....	۶-۳-۴-۶. همنشینی «سبیل» با مفهوم «جعل»
۳۲۹.....	۵-۶. استعاره نشانه و نشانه‌یابی در قرآن کریم
۳۲۹.....	۱-۵-۶. آیه؛ نشانه‌های راهنما در بافت نزول
۳۳۲.....	۲-۵-۶. تَوْسُم؛ فرایند نشانه‌یابی در بافت نزول
۳۳۵.....	۶-۶. استعاره توشه سفر در قرآن کریم
۳۳۷.....	۱-۶-۶. زاد؛ انگاره توشه سفر در عربی قرآنی
۳۳۸.....	۲-۶-۶. تقوا به مثابه توشه سفر
۳۳۹.....	جمع‌بندی
۳۴۱.....	کتابنامه
۳۶۹.....	نمایه آیات
۳۷۷.....	نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به‌عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان

منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه دکتر احمد پاکتچی^۱



این نگرش که دستاوردهای علم انسان‌شناسی فرهنگی^۲ بتواند در فهم آیات قرآنی یاری‌رسان باشد، از دو منظر مختلف پیشینه‌ای دارد. اگر خود را به دانش انسان‌شناسی در معنای مدرن آن محدود کنیم، باید یادآور شویم که از حدود یک قرن پیش، شماری از محققان اعم از مسلمان و خاورشناس در این راستا گام برداشته‌اند که از آن میان می‌توان محمد حمیدالله، توماس مورن^۳، والتر دُستال^۴ و محمد بن خیره را نام برد. اگر دامنه بحث را فراتر بگیریم و بر این تلقی تکیه کنیم که موضوع انسان‌شناسی، مطالعه الگوهای زیست جمعی بشر در ابعاد گوناگون آن است، کاربرد آن در فهم قرآن کریم به اندازه خود تفسیر پیشینه دارد. کم نیست مواردی از الگوهای زیست عرب در عصر نزول قرآن - مانند تجارت تابستانه و زمستانه قریش - که مفسران ناچار بودند برای کمک به فهم آیات، به توضیح آن‌ها بپردازند؛ در واقع می‌توان گفت ضرورت آگاهی بر

۱. آنچه از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد، مقدمه‌ای است که به قلم جناب آقای دکتر احمد پاکتچی برای کتاب حاضر و کتابی دیگر با عنوان «کاربست رویکرد انسان‌شناسی امنیت در تفسیر قرآن کریم» (اثر دکتر محمدحسین شیرزاد) نوشته شده است.

2. Cultural Anthropology
3. Thomas Mooren
4. Walter Dostal

سنت‌های رایج در جامعه عرب در عصر نزول قرآن، مورد تأیید قاطبه مفسران بوده و هست، هرچند غالباً نام انسان‌شناسی بر آن نهاده نشده است. تنها عاملی که اجازه نمی‌دهد به این آسانی این دست آگاهی‌ها را انسان‌شناسی بنامیم، تفاوت میان دانستنی و دانش، تفاوت میان اطلاعات و علم ساخت یافته است. دانستنی‌ها هر قدر هم دامنه آن‌ها گسترده باشد، دانشی نخواهد شد که به داننده امکان دهد نسبت میان دانستنی‌های در دسترس را به طور نظام مند توضیح دهد یا درباره امور ناشناخته، پیش‌بینی و راه‌حلی داشته باشد. دانستنی‌های سامان نیافته، آگاهی‌های سترون و نازاست و تنها زمانی به باروری و زایش می‌رسد و دانایی جدید به بار می‌آورد که ساختارمند و نظام مند باشد. به تعبیر دیگر، زمانی که روابط بین مقولات در آن تعریف شده و قواعد رفتاری درون آن ساختار، شناخته شده باشد. با این مقدمات، می‌توان گفت دانستنی‌های انسان‌شناختی در طول تاریخ تفسیر، همواره مورد توجه و استفاده عالمان قرار داشته است؛ ولی کاربست دانش انسان‌شناسی در این باره، بسیار جدید است.

این جدید بودن، امری طبیعی است، از آن رو که از علم‌شدگی انسان‌شناسی و شکل‌گیری یک دانش مدوّن که الگوهای زیست‌جمعی انسان را مورد مطالعه قرار دهد، زمان درازی نگذشته است. انسان‌شناسی به مثابه یک علم، در سده نوزدهم میلادی به وجود آمد و در مسیر قوام گرفتن و رشد یافتن خود، نیازمند زمان بود. این نیز قابل انتظار است که از زمان به عرصه آمدن این دانش به مثابه یک علم جوان در میان علوم، تا رسیدن به حدی از بلوغ و توانمندی که دیگر حوزه‌های دانش کارآمدی آن را دریابند، زمانی بیشتر لازم بود؛ اینکه دریابند کجا و تا چه اندازه می‌توانند از دستاوردهای این علم در پاسخ به پرسش‌ها و گشودن دامنه مطالعات خود بهره‌گیرند. در زمره این دانش‌ها، مطالعات دینی و از آن جمله، مطالعات قرآنی درخور ذکر است؛ با این توضیح، آنگاه که مشاهده می‌شود کمتر از یک قرن پس از پیدایی دانش انسان‌شناسی، کاربست آن در

مطالعات قرآنی تحقق یافته، می توان گفت همه چیز به خوبی پیش رفته و تأخیری در میان نبوده است.

حال که بر سابقه رجوع به دانش انسان شناسی در مطالعات قرآنی اشارتی رفت، جا دارد یادآور شویم که برخلاف علوم مشابه چون زبان شناسی، میزان بهره گیری از انسان شناسی در مطالعات قرآنی، حتی پس از آشنایی مفسران و عالمان با آن، بسیار محدودتر از ظرفیتی است که این علم از آن برخوردار است. دلیل این امر نه در بی توجهی و کم کاری پژوهشگران، بلکه در تاریخ دانش انسان شناسی نهفته است.

انسان شناسی از مراحل آغازین خود تا اواسط قرن بیستم میلادی، همت خود را بر مطالعه اقوامی نهاده بود که اصطلاحاً آن ها را اقوام «ابتدایی»^۱ می خوانند. تلقی معمول نزد انسان شناسان این بود که از الگوهای زیستی رایج در میان اکثریت انسان های عصر حاضر، یعنی انسان های متمدن و مدرن آشنایی زدایی کنند و باور داشتند که این آشنایی زدایی از طریق مطالعه الگوهای زیستی اقوام ابتدایی حاصل می شود که بیشترین فاصله را از سبک ها و ارزش های زندگی مدرن دارند. انسان شناسان کلاسیک با مفروض گرفتن اینکه در روزگاران دیرین، نیاکان همه انسان ها به شیوه همان اقوام به اصطلاح ابتدایی می زیسته اند، باور داشتند که این مطالعات به آنان امکان می داد تا روشن کنند انسان متمدن امروزی، در زیرساخت های گذشته و لایه های ژرف فرهنگی، چه موجودی با چه سبک زندگی و چه ارزش هایی بوده است.

امروز درباره مفاهیمی چون اقوام ابتدایی، تمدن و فرهنگ، بازنگری ها و تأملات بنیادین وجود دارد و الزاماً آن اندیشه کلاسیک حاکم نیست؛ ولی مسیر تحول دانش انسان شناسی تا اواسط سده بیستم عمدتاً بر پایه همین مفاهیم بوده است. در فضاهای دانشگاهی هم، در یک تقسیم کار نانوشته، مطالعه جوامع ابتدایی و الگوهای غریب زیستی به انسان شناسی واگذار شده بود و مطالعه

جوامع امروزی و الگوهای متعارف زیستی به جامعه‌شناسی. از اواسط قرن بیستم، این تقسیم‌کار و مرزبندی، به هم ریخت و انسان‌شناسان دامنه مطالعه خود را به انسان متمدن و جوامع متعارف توسعه دادند؛ در واقع، در دهه‌های اخیر انسان‌شناسی به دنبال آن است تا در یک مطالعه جامع، مشتمل بر همه گونه‌های انسانی اعم از اقوام به اصطلاح ابتدایی و جوامع متعارف مدرن، و با گرد هم آوردن داده‌های میدانی و تاریخی روشن کند که انسان به مثابه موجودی تاریخنمند در مسیر تحول خود چه الگوهای زیست جمعی را تجربه کرده و ارزش‌های او چه تحولاتی به خود دیده است؟ جوامع مختلف را چگونه می‌توان بر اساس الگوهای زیست جمعی گونه‌شناسی کرد و این گونه‌ها، در فراسوی تنوع خود، از چه قاعده‌هایی پیروی می‌کنند؟

در ادامه، به ویژه باید از شاخه‌ای به عنوان انسان‌شناسی تاریخی یاد کرد که در دهه‌های اخیر اهمیت یافته است و پژوهش در پیش‌رو نیز از همین سنخ است. انسان‌شناسان از آغاز رجوع به داده‌های تاریخی را گاه در برنامه پژوهشی خود داشتند؛ ولی استفاده آنان از این گونه داده‌ها بیشتر به عنوان ابزاری برای تحلیل رفتار جوامع به اصطلاح ابتدایی بوده است که موضوع مطالعه میدانی آنان بوده‌اند؛ در واقع این در انسان‌شناسی تاریخی است که موضوع مطالعه، نه جوامع زنده بلکه جوامع زیسته در برهه‌ای از گذشته هستند و به عکس، این داده‌های میدانی و الگوهای کلاسیک انسان‌شناسی است که برای تفسیر و تحلیل داده‌های تاریخی به کار گرفته می‌شود.

می‌توان گفت انسان‌شناسی تاریخی در مقایسه با انسان‌شناسی کلاسیک، بیشترین کارآمدی را می‌تواند در مطالعات قرآنی داشته باشد، به همان نسبت که به دلیل محوریت گزارش‌ها و متون تاریخی، سنخیت بیشتری با حوزه تفسیر می‌یابد. در مقام مقایسه دیده می‌شود که انسان‌شناسی در برداشت نخستین خود، چندان جذابیتی برای پژوهشگران قرآنی نداشته و این برداشت اخیر، به خصوص در شاخه تاریخی است که با استقبال مواجه شده و در حوزه تفسیر و

مطالعات قرآنی، ربط و کارآمدی آن عمیقاً درک شده است.

گفته شد که اشاره به دانستنی‌هایی از نوع موضوعات انسان‌شناسی در کهن‌ترین متون تفسیری دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه مفسران در پیرامون آیات نخستین سوره مجادله، چاره‌ای جز آن نداشتند که رسمی به عنوان «ظهار» را در میان عرب پیش از اسلام توضیح دهند یا در تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب، به تبیین تفاوت‌ها میان حقوق زنان آزاد و کنیزان در جامعه عرب صدر اسلام، تفاوت آن دو گروه در احتمال آزار دیدگی و تمایز آنان با لباس و پوشش بپردازند. از این دست داده‌ها در منابع تفسیری بسیار است و شاید به هنگام طرح مسئله، این پرسش را به وجود آورد که اگر مفسران این‌گونه داده‌ها را به دست داده‌اند، دانش انسان‌شناسی چه کمکی خواهد کرد که گامی به پیش برداشته شود؟ چرا ما نیازمندیم در مطالعات قرآنی از این دانش بهره‌جوییم و این علم چه دستاوردی برای ما در فهم قرآن خواهد داشت که در آثار مفسران نیامده است؟ این‌ها پرسش‌های فرضی نیستند، پرسش‌هایی هستند که تیم پژوهشی ما از بدو شکل‌گیری انگاره پژوهش تا زمان انتشار در عمل با آن‌ها مواجه بوده و انتظار می‌رود پس از انتشار این آثار نیز همچنان با این پرسش‌ها مواجه باشد.

در پاسخ باید گفت روی آوردن به موضوعات مربوط به الگوهای زیست‌جمعی انسان‌ها، به تعبیر دیگر موضوعات انسان‌شناختی در چندین سطح می‌تواند به توسعه مطالعه قرآنی یاری رساند که نقلیات سنتی مفسران، در همان سطح نخست متوقف می‌شود.

سطح اول: آنچه در آثار مفسران، مورخان، ادیبان و به‌طور کلی در گزارش‌های مستقیم و غیرمستقیم از فضای عصر نزول برای ما برجای مانده است. از منظر دانش انسان‌شناسی، این داده‌ها، گزاره‌هایی هستند که باید در چهارچوب‌های دانش جایابی شوند و در بهترین حالت که اعتبار آن‌ها روشن شود، می‌توانند داده‌هایی قابل مقایسه با داده‌های گسترده‌تری باشند که از طریق فرهنگ‌های دیگر به دست آمده است. آنچه از رسوم و عادات عرب نقل می‌شود، تنها در

مقایسه با فرهنگ‌های دیگر است که معنای محصلی می‌یابد و این مقایسه نه در تفسیر سنتی، بلکه در مطالعه انسان‌شناختی است که صورت می‌پذیرد. همچنین نباید نادیده گرفت که آنچه مفسران و عالمان دیگر درباره عادات و الگوی زندگی عرب در آستانه نزول قرآن از افواه یا اخبار مکتوب نقل کرده‌اند، به دلایل مختلف امکان جعل یا تحریف دارد و لازم است مورد ارزشیابی و درستی‌آزمایی قرار گیرد؛ به عنوان نمونه، اینکه در برخی از تفاسیر گفته شده است که نزد عرب جاهلی پس از مرگ پدر، همسران پدر به پسران او به ارث می‌رسیده است، با تردیدهای جدی روبه‌روست. همچنین آنچه درباره زنده‌به‌گور کردن دختران نزد عرب جاهلی نقل شده است، بی‌شک قابل‌تعمیم به همه قبایل عرب نیست و تنها در محدوده‌ای معین چنین رسمی به وقوع پیوسته است.

سطح دوم: در مواردی روشن شدن عادات عرب پیش از اسلام به فهم آیات کمک مستقیم می‌رساند؛ درحالی‌که موضوع مورد توجه مفسران قرار نگرفته و درباره آن‌ها سکوت شده، یا به اندازه کافی بحث نشده است؛ به عنوان نمونه، در بحث از تعدد زوجات (نساء: ۳)، بسیار مهم است که بدانیم چه ویژگی‌های جمعیتی در محیط عربستان، اساساً منجر به چندهمسری شده و پدیده مهاجرت یا جنگ تا چه اندازه در برهم خوردن توازن جمعیتی زنان و مردان در آن محیط مؤثر بوده است؟

سطح سوم: در برخی از موارد، دست‌کم برای مخاطب امروزی، اموری سخت‌فهم یا شبهه‌هایی در آیات وجود دارد که جز با انسان‌شناسی قابل حل شدن نیست؛ مانند اینکه چرا قرآن کریم چنان موضع سخت و منفی نسبت به فرزندخواندگی اتخاذ کرده است (احزاب: ۵)، درحالی‌که در فرهنگ عصر ما، به فرزندگی گرفتن کودکی بی‌سرپرست از ستوده‌ترین رفتارهای انسان‌دوستانه به‌شمار می‌آید. برخی از شبهه‌های کلان مانند موضوع برده‌داری نیز از همین مسیر انسان‌شناسی قابل پاسخ‌گویی است.

سطح چهارم: بسیاری از الگوهای فرهنگی ارائه شده در آیات قرآنی، مانند

نکوهیدن ظهار یا نفی آیین‌هایی مانند بحیره، سائبه و امثال آن (مأئده: ۱۰۳)، موضوعاتی منسوخ و فراموش شده به نظر می‌آید که در جامعه کنونی، شاید در هیچ نقطه‌ای از زمین، مصداقی نداشته باشد و در آن صورت معلوم نیست این آیات برای انسان امروزی چه دستاوردی برای عرضه دارد. انسان‌شناسی دانشی است که می‌تواند دستاورد این آیات را در فرهنگ امروزی جایابی کند و به تعبیر دیگر، اجازه دهد که این آیات - هرچند مصداق امروزی نداشته باشد - به زبان انسان‌های امروز ترجمه گردد. این ترجمه فرهنگی، البته محدود به این آیات نمی‌ماند و حتی آیات دیگری که درباره مسائل هنوز مطرح، مانند ساختار خانواده سخن می‌گویند نیز می‌توانند در فرایند ترجمه فرهنگی و فهم انسان‌شناختی، فراتر از فهم‌های اولیه و مستقیم، نویدبخش درکی عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد.

سطح پنجم: قرآن بسیاری از الگوهای زیستی را به مثابه زیرساخت و دستمایه‌ای برای طراحی یک زبان گفت‌وگو به کار گرفته است و بسیاری از موضوعات انسان‌شناختی، مبنای ساخت استعاره‌ها و تمثیل‌های قرآنی قرار داشته است؛ به عنوان نمونه، صورت‌بندی رابطه انسان و خدا در چهارچوب رابطه «عبد و رب»، یک الگوی استعاری است که برای فهم بهینه آن باید به جنبه‌های مختلف از رابطه عبودیت توجه داشت. همچنین در صورت‌بندی تعامل انسان با خداوند و اندیشیدن انسان به آخرت به جای فریفته شدن به مظاهر زودگذر دنیا، از الگوی «تجارت» و دادوستد استفاده شده است (صف: ۱۰). چنین نمونه‌هایی در معناسازی قرآن کریم، بسیار فراتر از این چند نمونه است و تحلیل انسان‌شناختی می‌تواند ما را به لایه‌های ژرف‌تر از معنا رهنمون سازد.

در مجموع باید گفت که قرآن کریم کتابی است که درباره انسان‌ها و با انسان‌ها سخن می‌گوید و هر اندازه درک ما از انسان ژرف‌تر باشد، فهم جامع‌تری نیز از بیان قرآن کریم خواهیم داشت. درباره همه این سطوح باید گفت فراوان است الگوهایی که با ژرف‌اندیشی هم‌زمان در مفاهیم قرآن و دانش انسان‌شناسی

قابل دستیابی است. گفته شد «ژرف‌اندیشی هم‌زمان»، از آن رو که الگوهای به‌کار گرفته شده در قرآن کریم از اولویت‌های کلام مقدس پیروی می‌کند و نه اولویت‌های دانشمندان انسان‌شناسی؛ بنابراین می‌توان حوزه‌هایی را در الگوسازی‌های قرآن کریم بازجست که به‌اندازه کافی در مطالعات انسان‌شناختی بدان پرداخته نشده است و می‌توان موضوعاتی در آثار انسان‌شناسان بازجست که در الگوسازی‌های قرآن کریم از اولویت برخوردار نیست.

به‌عنوان نمونه‌ای از نوع اخیر، باید به موضوع جوامع مردسالار و زن‌سالار اشاره کرد که در طول یک‌ونیم قرن اخیر در محافل انسان‌شناسی مورد توجه بوده و از کتاب «قانون مادری»^۱ یوهان باخوفن^۲ تا زمان حاضر بدان پرداخته شده است؛ این در حالی است که چنین الگوهایی در قرآن کریم مورد تأکید نیستند. در مقابل می‌توان از موضوعاتی مانند امنیت و حمل‌ونقل یاد کرد که در قرآن کریم از اولویت برخوردارند و در سطح گسترده در معناسازی‌های قرآن کریم بدان پرداخته شده است؛ در حالی که در دانش انسان‌شناسی، این حوزه‌ها هنوز توسعه نیافته‌اند.

مطالعه پیش‌رو را باید امتداد روندی از مطالعات شکل‌گرفته در گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در نظر گرفت که در قالب ارائه برخی از دروس از سال ۱۳۸۱ آغاز شد و از سال ۱۳۹۱ با تشکیل کارگاه‌های گسترده صورتی تخصصی‌تر به خود گرفت. در ادامه این مسیر و در راستای پرداختن به این اولویت‌ها، در یک برنامه گروهی از سال‌ها پیش در گروه علوم قرآن و حدیث در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تلاشی صورت گرفت تا در قالب رساله‌های دکتری، گام‌های مؤثری برداشته شود که دو رساله شاخص از دستاوردهای آن بود؛ رساله‌ای در انسان‌شناسی امنیت و رساله‌ای در انسان‌شناسی حمل‌ونقل که اکنون به زیور طبع آراسته می‌شوند. در این دو پژوهش تنها به کارگیری الگوهای انسان‌شناختی امنیت و حمل‌ونقل در مطالعه قرآن کریم نیست که تازگی دارد،

1. Mutterrecht
2. Johann Jakob Bachofen

بلکه خود این حوزه‌ها در دانش انسان‌شناسی هم هنوز توسعه نیافته و جدید است؛ از همین رو، در راستای فراهم آوردن چهارچوب نظری و بسترهای لازم برای چنین مطالعه‌ای، یک مطالعه زمینه‌ای در حوزه انسان‌شناسی امنیت و حمل‌ونقل، بدون محدود بودن به قرآن و به‌عنوان شاخه‌ای از مطالعات عام انسان‌شناسی صورت گرفت که امید است محصول آن نیز در گام پسین به‌عنوان اثر یا آثار مستقلی انتشار یابد.

گفتنی است وارد شدن در حوزه‌هایی از انسان‌شناسی که ادبیات کافی درباره آن وجود ندارد، نباید به حساب ماجراجویی و تهور علمی نهاده شود و نه به حساب تفنن و ساده‌انگاری علم. بلکه این تلاش از آن رو صورت گرفته است که به جامعه علمی، هم عالمان مطالعات قرآنی و هم عالمان انسان‌شناسی نشان دهد که اولویت‌های قرآن کریم به‌مثابه یک متن مقدس تا چه اندازه می‌تواند انگیزه‌ای برای توسعه حوزه‌هایی از انسان‌شناسی باشد که هنوز توسعه نیافته است، در عین این هدف که نشان دهد انسان‌شناسی به‌مثابه یک دانش، تا چه اندازه می‌تواند در فهم عمیق‌تر قرآن کریم کارآمد باشد.

احمد پاکتچی

یکم دی ماه ۱۴۰۰

مقدمه



تفسیر، دانشی زنده و در حال تولید است که در طول چهارده سده، فرازونشیب‌های گوناگونی به خود دیده است. در انتقال به دوره معاصر و به دنبال پیدایی نیازهای نوظهور و پرسش‌های جدید، این ضرورت به شدت احساس شده است که تفسیر قرآن کریم افزون بر ابتننا به دانش‌های سنتی، نیازمند استفاده از رویکردهای نوین مطالعاتی در سایر رشته‌های علوم انسانی نیز هست تا با ایجاد توسعه نظری و روشی، امکان درک دقیق‌تر از آیات قرآن کریم فراهم آید؛ در همین راستا، اعتنا به فضای فرهنگی عصر نزول در فرایند تفسیر قرآن از جمله کوشش‌هایی است که وجهه همت برخی از پژوهشگران قرار گرفته و به مثابه راهکاری برای درک ابعاد کمترشناخته این کتاب مقدس در نظر گرفته شده است.

نوشتار حاضر در ادامه همین جریان علمی، اما این بار با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای در صدد است نهاد حمل و نقل در بافت نزول قرآن کریم را از منظر انسان‌شناسی فرهنگی به بحث گذارد. آنچه نگارنده را به انتخاب این موضوع سوق داده، آن است که ترابری یکی از بخش‌های ضروری از زندگی روزمره انسان‌ها به شمار می‌آید؛ از همین روست که جوامع مختلف بشری کوشیده‌اند

برای سامان‌دهی به این امر، نهاد حمل‌ونقل را پایه‌ریزی نمایند که در برخی از جنبه‌هایش همگانی و جهان‌شمول است، اما بسته به زمینه‌های مختلف فرهنگی - مثلاً یکجانشین یا کوچنده بودن جوامع - از پاره‌ای ویژگی‌های بومی نیز برخوردار است.

همچنین حمل‌ونقل به سان برخی از رفتارهای جاهلی - نظیر وأد البنات و نسیء - نیست که یا به جمع‌اندکی از قوم عرب اختصاص داشته باشد و یا به جنبه‌های مشخصی از زندگی آنان محدود شود، بلکه امری است اساسی و بنیادین که بی‌وقفه با زندگی آنان در ارتباط است؛ از این رو، انتخاب این موضوع هم ابعاد انسان‌شناختی این پژوهش را گسترده‌تر می‌سازد و هم در فهم و تفسیر آیات بیشتری از قرآن کریم ایفای نقش می‌کند. آنچه بر این مطلب گواهی می‌دهد اشارات گسترده قرآن کریم به نهاد حمل‌ونقل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن است؛ به گونه‌ای که کمتر صفحه‌ای از قرآن کریم را می‌توان نشان داد که به زبان حقیقت یا استعاره، از مؤلفه‌های این نهاد همچون راه، راه‌یابی، وسائط نقلیه و منزلگاه سخن به میان نیاورده باشد.

در پایان، شایسته است از زحمات و راهنمایی‌های ارزشمند استاد گرانقدر جناب آقای دکتر احمد پاکتچی تشکر نمایم که در طول بیش از یک دهه، این شاگردش را سخاوتمندانه با رویکردهای جدید مطالعاتی در حوزه قرآن و حدیث آشنا کرد. نیز خداوند باری تعالی را سپاس می‌گزارم که نعمت پدر و مادری مهربان را به این بنده اش مرحمت فرمود که روشنای دیده و آرام‌جانم هستند. همچنین باید از حمایت‌های بی‌دریغ برادرم دکتر محمدحسین شیرزاد قدردانی کنم که در طول انجام این پژوهش، همواره رفیق راه من بوده است. از خداوند متعال، دوام عمر و توفیقاتشان را مسئلت دارم.

محمدحسن شیرزاد
آذرماه ۱۴۰۰ شمسی

(۱)

کلیات، مفاهیم و روش‌شناسی



ارائه تفسیر دقیق از آیات قرآن کریم نیازمند آن است که افزون بر سطح زبانی و ادبی این متن مقدس، از شرایط و موقعیت فرهنگی مخاطبه نیز غفلت صورت نگیرد. یکی از دلایل این مسئله را می‌بایست در نقش قرآن کریم به عنوان یک متن فرهنگ‌ساز ریشه‌یابی کرد؛ با این توضیح که ساخت و شکل‌دهی به یک جامعه ایمانی مطابق با اهداف و آرمان‌های دین اسلام، جز از راه گفت‌وگو با توده‌های مردم امکان‌پذیر نبود؛ از همین رو، قرآن کریم چه آنجا که به نقد پاره‌ای از عملکردها و باورداشت‌های فرهنگ پیشااسلامی روی آورد، چه آنجا که با فرهنگ عرب پیش از اسلام همراهی کرد، و چه آنجا که رأساً به ایجاد یک رویه جدید در جامعه مبادرت ورزید، جدا از شرایط و موقعیت فرهنگی مخاطبه نبود و در خلأ، اقدام به طرح آموزه‌هایش نکرد.

عطف توجه به همین نکات موجب شد که در دو دهه اخیر، قرآن‌پژوهان ایرانی بیش از گذشته بر این نکته تأکید ورزند که شناخت بافت فرهنگی عصر نزول می‌تواند نقش مؤثری در تفسیر قرآن کریم ایفا نماید؛ تا آنجا که آن را از جمله دانش‌های لازم در فهم قرآن برشمردند و بخشی از روش‌شناسی تفسیر را به همین

بحث اختصاص دادند؛ بااین حال، مجموعه مباحث آنان در این باره، از چند صفحه معدود فراتر نرفته و غالباً به ذکر نمونه‌های تکراری چون «نسیء» بسنده شده است. نوشتار حاضر در صدد است برای جبران این خلأ مطالعاتی، از دانش انسان‌شناسی فرهنگی که نزدیک به دو سده، ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی انسان‌ها را مورد مطالعه قرار داده است، بهره برد تا بر غنای این مباحث در حوزه روش‌شناسی دانش تفسیر افزون گردد.

پژوهش حاضر با هدف پرهیز از کلی‌گویی و اجتناب از طرح مباحث انتزاعی تصمیم دارد به صورت موردی، نهاد حمل‌ونقل را که یکی از وجوه فراموش شده از زندگی روزمره عرب در عصر نزول به شمار می‌آید، به بحث گذارد. آنچه بر اهمیت این پژوهش گواهی می‌دهد، اشارات گسترده قرآن کریم به نهاد حمل‌ونقل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن در قالب حقیقت یا استعاره است. بر این پایه، به هر میزان که آگاهی مفسر از ویژگی‌های بومی - منطقه‌ای این نهاد افزایش یابد، تفسیر بخشی از مفاهیم و گزاره‌های قرآنی با دقت بیشتری انجام می‌گیرد.

۱. رویکرد فرهنگی در تفسیر قرآن؛ مروری بر سابقه‌ها

پژوهشی که پیشتر نهاد حمل‌ونقل در بافت نزول را از منظر انسان‌شناسی فرهنگی به بحث گذاشته باشد، به رشته تحریر در نیامده است؛ با این حال می‌توان طیفی از آثار را نام آورد که به انحای گوناگون، به این نکته کلیدی پرداخته‌اند که آشنایی با فرهنگ زمانه نزول می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در تفسیر آیات قرآن کریم ایفا نماید. در ادامه، سیر تطوری این طرز فکر نشان داده می‌شود:

الف) توجه به فرهنگ زمانه نزول در سنت مطالعات تفسیری: در آغاز، باید از اهتمام عالمان تفسیر به مسئله «أسباب النزول» و نقش اثرگذار آن در فهم و تفسیر قرآن کریم یاد کرد. اهمیت این بحث در حوزه علوم قرآنی تا بدان حد است که بدرالدین زرکشی (۷۹۴ق) - از پیشگامان حوزه علوم قرآنی - نخستین فصل از البرهان را تحت عنوان «معرفة أسباب النزول» سامان داده و از آثار و نتایج آن

در تفسیر قرآن کریم سخن گفته است (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج: ۱، ۱۱۵-۱۲۹). در ادامه باید از عبدالرحمان سیوطی (د۹۱۱ق) یاد کرد که در نوع هفتاد و هشتم از الإقتان و هنگام بحث از آداب و شرایط تفسیر، آگاهی به اسباب نزول و تاریخ عرب را از جمله علوم مورد نیاز مفسران معرفی کرده است (نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج: ۲، ۴۵۰). اهمیت آشنایی با اسباب نزول در فرایند تفسیر موجب شد که برخی از عالمان مسلمان ترجیح دهند آثار مستقلى را در این زمینه به رشته تحریر درآورند (نک: واحدی، ۱۴۱۱ق: سرتاسر اثر؛ سیوطی، بی تا - ب: سرتاسر اثر).

برخی از قرآن پژوهان معاصر به درستی دریافته‌اند که اسباب نزول آیات، گاه ناظر به امور جزئی و شخصیه هستند؛ اما در بسیاری از موارد با آداب و رسوم و فرهنگ جاهلی در حوزه‌های متنوع ارتباط دارند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: بابایی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۴۴-۱۵۷؛ عظیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۷۹-۲۸۰)؛ برای نمونه می‌توان به آیات مربوط به تبّی، ولاء، ظهار و واد البنات اشاره کرد که همگی معطوف به ساختارهای انسان‌شناسی خویشاوندی در بافت نزول قرآن کریم هستند.

در حالی که مسئله توجه به فرهنگ زمانه نزول و نقش مؤثر آن در تفسیر آیات قرآنی، برای سده‌های متمادی در موضوع اسباب النزول خلاصه می‌شد، هم‌زمان با قرن بیستم میلادی، توجه به این مسئله ابعاد و زوایای جدیدتری به خود گرفت که در ادامه، به آن‌ها اشاره می‌شود.

ب) توجه به فرهنگ زمانه نزول در تفاسیر معاصر جهان اسلام: جمعی از مفسران و قرآن پژوهان معاصر جهان اسلام از اهمیت شناخت زمینه‌های فرهنگی عصر نزول، بسیار سخن گفته‌اند. از پیشگامان این جریان فکری، شیخ محمد عبده (د۱۳۲۳ق) است که در مقدمه المنار، به هنگام بحث از ویژگی‌های شاخص یک تفسیر موفق که وی آن را «مرتبه علیا» از تفسیر می‌نامد، آشنایی با عصر نبوت و شرایط فرهنگی - اجتماعی آن دوره را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای مفسران برشمرد. وی با استشهاد به کلمات یکی از صحابه

که در این باره گفته بود: «إِنَّمَا تُنْقِضُ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةَ عُرْوَةَ إِذَا نَشَأَ فِي الْإِسْلَامِ مَنْ لَا يَعْرِفُ الْجَاهِلِيَّةَ»، چنین نتیجه گرفت که حتی در دهه‌های نخستین پس از ظهور اسلام نیز برخی از مسلمانان، از نقشِ اثرگذارِ شناخت فرهنگ عرب جاهلی در فهم قرآن و اسلام خبر داده‌اند (رضا، ۱۹۹۰، ج: ۱، ۲۰-۲۱).

پس از عبده و به‌ویژه از اواسط سده بیستم میلادی، جمعی از اندیشمندان مسلمان با هدف ایجاد و گسترش نظریات جدید تفسیری کوشیدند زمینه‌های فرهنگی و تاریخی آیات قرآن کریم را بیشتر بکاوند. از چهره‌های شاخص این گروه می‌توان به محمد حمیدالله از هند، محمد ارکون از الجزایر، محمد طالبی از تونس و فضل‌الرحمان از پاکستان اشاره داشت (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: Wielandt, 2002: 134-137). نیز باید از محمد بن خیره یاد کرد که در مقاله‌ای با عنوان «تفسیر میته در قرآن» کوشید بر اساس مطالعات فرهنگی و انسان‌شناسانه، درک بهتری از مفهوم میته در صدر اسلام و عرب جاهلی ارائه نماید (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۱ ب: ۳۳۱). بی‌تردید از شاخص‌ترین این مطالعات، اثر محمد حمیدالله با عنوان «ایلاف؛ روابط اقتصادی - دیپلماتیک مکه پیش از اسلام» است که تفسیری فرهنگی و انسان‌شناختی از سوره مبارکه قریش به‌شمار می‌آید. حمیدالله در این مقاله، روابط اقتصادی و سیاسی مکه را که موجب برقراری امنیت در منطقه برای تسهیل حمل‌ونقل‌های تجاری شده بود، مورد مطالعه قرار داد (Hamidullah, 1957: passim).

ج) توجه به فرهنگ زمانه نزول در میان قرآن‌پژوهان معاصر ایرانی: توجه به فرهنگ زمان نزول برای تفسیر قرآن کریم را می‌توان در آثار آن طیف از پژوهندگان معاصر ایرانی بازجست که در پیرامون مبانی و روش‌های تفسیری قرآن کریم قلم زده‌اند؛ برای نمونه، باید از ایزدی مبارکه یاد کرد که در سخن از «علوم مورد نیاز مفسر»، به برشماری دانش‌های مقدماتی تفسیر قرآن کریم پرداخته و دهمین آن را «تاریخ عرب در جاهلیت و صدر اسلام» معرفی کرده است. او به‌درستی، مردمان آن سامان را دارای آداب و رسوم و فرهنگ خاص قلمداد کرده و بر این نکته تأکید

ورزیده است که آیات قرآنی به مناسبت‌های گوناگون، به عادات اجتماعی و شیوه زندگی عرب جاهلی عطف توجه داشته‌اند؛ براین پایه، او آگاهی مفسر به فرهنگ عرب جاهلی را از جمله علوم مورد نیاز در دانش تفسیر دانسته است (ایزدی مبارکه، ۱۳۷۶: ۱۷۳-۱۷۴).

نیز باید از محمود رجبی - عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - نام برد که در کتاب «روش تفسیر قرآن»، بر لزوم توجه مفسر به قرائن پیوسته غیرلفظی تأکید کرده و فصل مستقلی را به «فرهنگ زمان نزول» اختصاص داده است. او در این بحث به صراحت می‌نگارد: «فرهنگ زمان نزول، یکی دیگر از عنصرهای تشکیل‌دهنده فضای نزول است که نقش آن در فهم محتوای آیات، انکارناپذیر می‌باشد» (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

در ادامه می‌توان از محمدکاظم شاکر یاد کرد که یکی از دانش‌های لازم در فهم قرآن را «شناخت مخاطبان سخن» معرفی کرده و با اشاره به فرهنگ پیشااسلامی می‌نویسد: «نمی‌توان انکار کرد که قالب پیام در بسیاری از مواضع، متأثر از فضا و محیط حاکم بر مخاطبان اولیه قرآن است. از این رو، قرآن کریم در بسیاری از مواضع، از الفاظ و مفاهیم آشنا برای مخاطبان بهره گرفته است... بنابراین شناخت فرهنگ حاکم بر جهان در عصر بعثت و گروه‌ها و جوامعی که در این جهان زندگی می‌کردند، از ضروریات فهم درست محتوای پیام قرآن کریم است» (شاکر، ۱۳۸۲: ۲۱۰-۲۱۱).

علی‌اکبر بابایی نیز با طرح این نکته که «قرینه بودن فرهنگ زمان نزول و لزوم توجه به آن در تفسیر، امری روشن و مطابق با سیره عقلاست»، نقش‌آشنایی با بافت نزول در دانش تفسیر را مستغنی از هرگونه توضیح قلمداد کرده است (بابایی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

د) توجه به فرهنگ زمانه نزول با رویکرد انسان‌شناختی: در ادامه پژوهش‌های فوق‌الذکر در ایران، باید از سلسله مطالعاتی یاد کرد که با هدف روشمند کردن توجه به فرهنگ زمانه نزول، از دانش انسان‌شناسی فرهنگی بهره برده‌اند.

شاخص‌ترین این‌گونه از پژوهش‌ها به همت دکتر احمد پاکتچی انجام گرفته است؛ از باب نمونه، ایشان در سه دوره علمی مجزا در مرکز تحقیقات علوم انسانی اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، به بحث از بافت نزول قرآن کریم با سه رویکرد «انسان‌شناسی دینی»، «انسان‌شناسی سیاسی» و «انسان‌شناسی اقتصادی» پرداخته است. همچنین ایشان با برگزاری چندین دوره درس «انسان‌شناسی قرآن کریم»، دیدگاه‌هایش درباره «انسان‌شناسی تعلیم و تربیت»، «انسان‌شناسی خویشاوندی» و «انسان‌شناسی اخلاق» در بافت نزول قرآن کریم را عرضه کرده است.

به آنچه گفته شد، می‌توان مقاله «بازخوانی انگاره ربا در قرآن کریم با تکیه بر الگوهای انسان‌شناسی اقتصادی» را افزود که در آن، برای بازکاوی ماهیت ربا در بافت نزول، به کاربری الگوهای انسان‌شناسی اقتصادی - و به‌طور مشخص الگوهای پولینزیایی و ملانزیایی قدرت - روی آورده شده است (نک: پاکتچی و شیرزاد، ۱۳۹۷: سراسر اثر). نیز در مقاله «بازخوانی مفهوم قرض در قرآن کریم با تکیه بر انسان‌شناسی اقتصادی» کوشش شده است با فاصله گرفتن از معنای شناخته‌شده قرض در فقه اسلامی، آن را در قالب مبادلات هدیه‌ای - که از دیرزمان مورد توجه انسان‌شناسان قرار گرفته است - مورد مطالعه قرار داد (ر.ک: مصلائی پور و شیرزاد، ۱۳۹۶: سراسر اثر). سرانجام باید به تألیف دو مقاله در کتاب «رویکردهای نوین در حدیث پژوهی شیعه» اشاره کرد که در آن‌ها، کارآمدی رویکرد انسان‌شناسی در حوزه مطالعات حدیثی و به‌طور ویژه فقه الحدیث و نقد حدیث به نمایش گذاشته شده است (نک: میرحسینی و شیرزاد، ۱۳۹۷ الف: سراسر اثر؛ میرحسینی و شیرزاد، ۱۳۹۷ ب: سراسر اثر).

ه) توجه به فرهنگ زمانه نزول در میان مستشرقان: افزون بر اندیشمندان مسلمان، برخی از مستشرقان نیز به کاربری رویکرد فرهنگی در فهم آیات قرآن کریم اعتنا داشته‌اند؛ برای نمونه، توشیهیکو ایزوتسو یکی از همین محققان است که در آثار خود - «مفاهیم اخلاقی و دینی در قرآن» و «خدا و انسان در قرآن» -

سعی کرد با روش‌های قوم - زبان‌شناختی^۱ به دنبال کشف زمینه‌های فرهنگی آیات قرآن کریم باشد (نک: شریفی، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۶). براومان و لامبر از دیگر مستشرقانی هستند که مطالعات موفقی را در شناخت الگوهای انسان‌شناختی فضای نزول قرآن کریم سامان داده‌اند (نک: پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۲۸-۳۳۰؛ برای اهمیت یافتن رویکردهای انسان‌شناسی فرهنگی نزد اسلام‌پژوهان مستشرق، ر.ک: ساشادینا، ۱۳۹۳: ۳۶۳). نیز باید از توماس مورن - مستشرق آلمانی - نام برد که در اثر معروفش «تک‌خدایی» کوشید با رویکردی انسان‌شناسانه، مسئله توحید در جامعه عرب صدر اسلام را تبیین نماید. او برای انجام این مهم، به بحث از نظامات قبیلگی عرب پرداخت و با اشاره به این واقعیت که هر قبیله خدای مستقلی را می‌پرستید، آن را زمینه‌ساز بروز شکاف‌های عمیق میان قبایل معرفی کرد. او معتقد بود که اسلام با ترویج آموزه «توحید»، علاوه بر اصلاح اعتقادات دینی عرب، بستر را برای همگرایی اجتماعی میان قبایل مختلف فراهم آورد (نک: پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۲۹-۳۳۰). مستشرق دیگر، والتر دُستال است که با انتشار مقاله‌ای با عنوان «مکه پیش از عصر پیامبر»، تفسیری انسان‌شناختی از شرایط مکه پیش از ظهور اسلام ارائه داد. او در آغاز مقاله بر این نکته تصریح کرد که به هر میزان، آگاهی‌ها از شرایط اجتماعی - اقتصادی مکه در آستانه ظهور اسلام افزایش یابد، درک دقیق‌تر از تحولاتی حاصل می‌شود که دین اسلام در آن منطقه ایجاد نمود (Dostal, 1991: 193-231).

۲. مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

در این کتاب، شماری از مفاهیم و اصطلاحات به صورت مکرر به کار رفته‌اند که نقشی کلیدی در پیشبرد ایده اصلی این پژوهش ایفا می‌کنند. در بخش حاضر، اشاره‌ای موجز به این مفاهیم و اصطلاحات صورت می‌گیرد.